

راهکارهای نهادینه‌سازی تربیت اعتقادی فرزندان با تأکید بر منابع اسلامی

محدثه اعتباری^۱

حسین مهدی‌زاده^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و ارائه راهکارهای نهادینه‌سازی تربیت اعتقادی فرزندان از سوی والدین انجام شده است. روش به کار رفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و منابع مرتبط با موضوع، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این نوشتار به شیوه‌هایی از جمله تلقین آموزه‌های اعتقادی به فرزندان، آشنا کردن فرزند با افراد دارای اعتقاد محکم، بازداشتن از معاشرت با افراد غیرمتدین، هدیه دادن کتاب‌های اعتقادی، آموزش عقاید صحیح به فرزندان با فراهم آوردن شرایط و موقعیت مناسب، اختصاص ساعتی برای پرسش‌های اعتقادی خانواده به طور هفتگی، رفتن به طبیعت برای شناخت آیات و نشانه‌های الهی، استدلال منطقی بر اعتقادات صحیح دینی در حضور فرزند و نیز اجرای گفتگوی صحیح و صمیمی اعتقادی والدین در حضور فرزندان پرداخته شده است. واژگان کلیدی: اعتقادات، راهکارها، شناخت اعتقادی، تربیت اعتقادی فرزندان.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع)، دانشجوی دکتری قرآن و علوم گرایش روانشناسی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی (ع) العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول) mohadeseh_etebari@miu.ac.ir

۲. استاد جامعه الزهراء (ع)، عضو گروه پژوهشی فقه و جامعه و فرهنگ مرکز فقهی ائمه (ع)، قم، ایران. hmahdi123@gmail.com

مقدمه

توانایی‌ها و قابلیت‌های افراد در فرایند تحول به خودی خود پرورش نمی‌یابند؛ بلکه نیاز به تربیت و برنامه‌ریزی دارد. از سوی دیگر هیچ برنامه تربیتی نیز نتیجه‌بخش نخواهد بود، مگر آنکه فرد به معرفت و آگاهی برسد (بهشتی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۵). بنابراین پایه و اساس تربیت را شناخت و آگاهی تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر تربیت برای انسان به عنوان یک نیاز عالی در طول زندگی مطرح است و به سن و دوره خاصی اختصاص ندارد (Field & Leicester, 2003). با توجه به ابعاد مختلف وجود انسان، تربیت قلمرو گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که مهم‌ترین بخش آن را تربیت اعتقادی تشکیل می‌دهد (Stern, 2018).

اهمیت تربیت دینی موجب شده است که پژوهشگران افزون بر مفهوم‌شناسی و چیستی تربیت دینی (داوری، ۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر آن را در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳). تحقیقات نشان داده است که از بین عوامل مختلف نقش والدین در تربیت دینی فرزندان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (علوی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳). بر اساس آموزه‌های دینی نیز نقش والدین بسیار مهم است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَإِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيُنَصْرَانِهِ وَيُمَجْسَانِهِ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۲۶)؛ هر نوزادی بر اساس فطرت توحیدی متولد می‌شود. این پدر و مادر او هستند که وی را یهودی، یا مسیحی و یا مجوسی می‌کنند».

پژوهش‌های مختلفی درباره نقش والدین در تربیت دینی و اعتقادی انجام شده است. برای مثال اعرافی (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان تربیت فرزند با رویکرد فقهی، وظایف والدین در تربیت فرزندان را مورد بررسی قرار داده و در بخشی از آن به تربیت اعتقادی فرزندان پرداخته است. میرعرب (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی تلاش کرده است اصول، مبانی، اهداف و آثار تربیت اعتقادی و معنوی را از قرآن به دست آورد. داوودی و حسینی‌زاده (۱۳۹۴) نیز در کتابی با عنوان سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ، روش تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیتش را در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. باهنر (۱۳۷۸) در فصل پنجم کتاب آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، صرفاً برخی شیوه‌های

آموزش معارف اسلامی مانند شیوه آموزشی داستان، شیوه آموزشی قرآن و... به کودکان را مطرح کرده است. وجدانی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «اصول و روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداآوری در کودکان و نوجوانان»، صداقت‌منش (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیرات متقابل فطرت و تربیت اعتقادی»، موسوی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با نام «روش‌های ایجاد و تعمیق باور به وجود خدا بر اساس سیره امام رضا (ع)»، نقش والدین را مورد بررسی قرار داده‌اند. موسوی (۱۳۹۱) در پژوهش «بررسی وجوب آموزش استدلالی در تربیت اعتقادی»، مسئله آموزش استدلالی را مورد بررسی قرار داده و در دفاع از این فریضه، پنج دلیل ارائه کرده است.

اگر چه هر یک این پژوهش‌ها به سهم خود ارزشمند و مفید هستند، اما در هیچ یک از آن‌ها به طور دقیق به نقش والدین در تربیت دینی فرزندان پرداخته نشده است و در هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده، نقش والدین در تربیت دینی و اعتقادی فرزندان به صورت کاربردی مورد بررسی قرار نگرفته است. از این‌رو مسئله اصلی پژوهش، بررسی شیوه‌های نهادینه‌سازی تربیت دینی فرزندان از سوی والدین است.

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این راستا ابتدا گزاره‌ها و اطلاعات مربوط به شیوه‌های نهادینه‌سازی تربیت اعتقادی فرزندان از متون اسلامی و روان‌شناسی گردآوری شده است و سپس در راستای هدف تحقیق و پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین راهکارهای نهادینه‌سازی تربیت اعتقادی فرزندان از سوی والدین عبارتند از:

۱. تلقین آموزه‌های اعتقادی به فرزندان

تلقین، فرایندی روان‌شناختی است که فرد به وسیله آن افکار، احساسات یا رفتار شخص دیگری را هدایت می‌کند (گولد و کولب، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴). مربی به اقتضای شرایط کودک و

محتواهای آموزشی باید در کنار روش‌های استدلالی، از روش‌های تلقینی نیز استفاده کند. تربیت اعتقادی در کودکی - از سن تمییز و قبل از رسیدن به تفکر انتزاعی - بر والدین واجب است و راهی جز تلقین و آموزش بدون استدلال ندارد. به عبارت دیگر تلقین، مقدمه منحصر تربیت اعتقادی است. بنابراین ترک آموزش استدلالی دین، موقتاً جایز و بلکه واجب است؛ چون مقدمه منحصر است (زارعان و موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۳). در بررسی ادله برای اثبات راهکار تلقین آموزه‌ها، تنها به بررسی وجوب تربیت اعتقادی در کودکی می‌پردازیم.

ظاهر ادله، وجوب تربیت اعتقادی فرزندان و مکلف بودن والدین نسبت به تربیت اعتقادی فرزندان خود است؛ چرا که ظهور صیغه امر «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» (تحریم: ۶)؛ «خود و خانواده خویش را (از آتش دوزخ) نگاه دارید» در الزام، واضح است و فراز پسین آیه «نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (همان)؛ «از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌هاست» نیز موجب تأکید این الزام است. ظهور آیه وقایه در اعتقادات واجب است؛ یعنی اعتقاداتی که اگر فرزند بدان ملتزم نشود، مسیرش به آتش منتهی می‌شود.

برای مشخص شدن محدوده این تکلیف الزامی، آنچه که مواد درسی و محتوای تربیتی برای حکم «وجوب تربیت اعتقادی فرزندان» تلقی می‌شود؛ عبارت است از آنچه اعتقاد بدان‌ها الزامی است، اما بیش از این محدوده واجب نخواهد بود و تنها مستحب شمرده می‌شود. بنابراین پدر و مادر در حوزه اصول اعتقادی و اعتقادات اساسی و بنیادی و محکم که تحصیل آن‌ها بر مکلف واجب است، لازم است برای تربیت اعتقادی اقدام کنند و در حوزه باورهای مستحب، وظیفه استجابی دارند (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲).

روایت تلقین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در کودکی (از سه سالگی)، یکی از دلایل برای اثبات جواز به‌کارگیری تلقین در تربیت اعتقادی است. در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَعَشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۴۷۴)؛ وقتی که پسر به سه سالگی رسید، به او هفت بار بگو لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، سپس او را تا زمانی که سه سال و هفت ماه و بیست روزه شود؛ رها کن، سپس به او بگو: محمد رسول الله ﷺ هفت بار».

در روایتی دیگری از آن حضرت آمده است: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَأَشْغَلَهُ بِتَرْبِيَّتِهِ حَتَّى يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُحَاسِبِ اللَّهُ عَلَى ذُنُوبِهِ (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۳)؛ هر کسی که به تربیت کودک اشتغال دارد، زمانی که کودک لب به لا اله الا الله بگشاید، خداوند گناهانش را محاسبه نمی‌کند». این روایت در واقع، ترغیبی والدین به آموزش الفاظ «لا اله الا الله» و تسریع در این آموزش به فرزندان است. در حدیثی دیگری از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «فَإِذَا بَلَغَ أَوْلَادُكُمْ الْحَدِيثَ فَعَلِّمُوهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تَخَافُوا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَبْلُغُوا الْكِبَرَ وَالْمَوْتَ وَإِذَا سَقَطَتْ أَسْنَانُهُمُ اللَّبَنِيَّةُ فَأَمُرُوهُمْ بِالصَّلَاةِ (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴)؛ پس وقتی که کودکان تان زبان گشودند، لا اله الا الله را به آنان بیاموزید؛ پس نگران شان نباشید تا به سن پیری و مرگ برسند و زمانی که دندان شیری آنان افتاد، آنان را به نماز امر نمایید».

از آنجا که وظیفه تربیتی والدین از سن تمیز فرزندان آغاز می‌شود و با توجه به عدم توان شناختی و عقلانی کودک در این سنین برای درک مفاهیم انتزاعی در حوزه اعتقادات، برای آنکه فرزندان تکالیف الزامی ناشی از تربیت اعتقادی را بپذیرند و انجام دهند، والدین می‌توانند در مسیر تربیت اعتقادی آن‌ها از روش‌های تلقینی و غیراستدلالی بهره ببرند (رک: زارعان و موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۴). استفاده از روش تلقینی در تعلیم و تربیت به مثبت، آگاهانه و آزادانه، اثر مطلوب و مؤثری در تربیت اعتقادی فرزندان دارد (موگهی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).

۲. آشنا کردن فرزند با افراد دارای اعتقاد محکم

همنشین، دوست و معاشر، از عوامل مؤثر در تربیت هستند؛ زیرا انسان به مقتضای تأثیرپذیری، بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از دوستانش می‌گیرد. این حقیقت هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی به اثبات رسیده است. از این رو یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت، تلاش والدین و فرزندان برای یافتن یک دوست و رفیق شایسته برای پیمودن راه است؛ چنانکه خداوند در آیه ۶۹ سوره نساء ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾؛ «کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، [در روز رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان

و آن‌ها، رفیق‌های خوبی هستند»، آنان را معرفی کرده و رفیقان خوب و نیکو نامیده است. این موضوع در تربیت اعتقادی جایگاه بسیار مهمی دارد؛ زیرا معنویت، امری غیر محسوس است که در یک فرایند روحی- روانی ایجاد می‌شود و تأثیر و تأثر بسیار ظریفی دارد؛ بنابراین اگر همنشین آدمی اهل خدا و معنویت باشد، همراه خود را نیز به تدریج به سوی معنویت سوق خواهد داد.

در این روش تربیتی هم از نظر جذب باید دقت کرد که کودک در چه حدی از کمال است و چه اندازه راه یافته است و هم از نظر دفع باید مراقب بود که از چه کسانی اجتناب شود. قرآن در هر دو زمینه رهنمود دارد. اهمیت بُعد نفی بیشتر است؛ زیرا روح لطیف الهی، خود حال معنوی دارد و از این رو آلوده کردنش بسیار مهم است. اجتناب از همنشین با افراد منحرف و فاسد و به عبارتی اهل باطل، مورد تأیید قرآن است: «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵)؛ «بگو آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو تنها خدا به حق هدایت می‌کند. آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کسی که خود هدایت نمی‌شود، مگر هدایتش کنند. شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید».

معاشرت با دوستان بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان، نوع رفتار و نگرش آن‌ها تأثیر می‌گذارد (میرعرب، ۱۳۹۲، ص ۲۳۰). در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «الْمَرْءُ عَلَىٰ دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۵)؛ هر کسی بر دین دوست و رفیق خود است». نتیجه دوستی، فقط معاشرت و رفت و آمد و گفت و شنود نیست؛ بلکه آثار بیشتر و مهم‌تری بر آن مترتب می‌شود. مهم‌ترین اثر مترتب بر آن، تأثیر و تأثری است که در بین آنان انجام می‌گیرد. انسان، دوست خود را به عنوان الگو می‌پذیرد، از رفتارش تقلید می‌کند، به او اعتماد می‌نماید، گفتارش را باور می‌کند و همسان و هم‌رنگ او می‌شود؛ زیرا بین دو کودک و دو جوان، سنخیت و تناسب روحی خاصی وجود دارد که چنین سنخیتی بین آن‌ها و یک فرد بزرگسال وجود ندارد. دو کودک یا دو جوان، حرف همدیگر را بهتر می‌فهمند و بهتر می‌توانند

نسبت به هم اعتماد کنند، اسرار دل خود را با یکدیگر در میان بگذارند و راهنمایی بخواهند. از این رو انتخاب دوست را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در تربیت دانست. اگر جوان با فرد فاسد و بد اخلاق دوستی کند، هم‌رنگ او می‌شود و اگر با فرد صالح و خوش اخلاق دوست شود، همانند او خواهد شد. بنابراین انتخاب دوست خوب یا بد، در سعادت و شقاوت انسان تأثیر فراوانی دارد. از همین روست که اسلام به دوستی با افراد صالح و اجتناب از دوستی با افراد ناصالح سفارش کرده است (امینی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۴)؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۹۲)؛ انسان بر دین و روش دوستش پرورش خواهد یافت، پس دقت کنید با چه کسی دوست می‌شوید». تأثیر معاشرت با دوستان و همسالان بر کودکان شدیدتر و ژرف‌تر است؛ زیرا هنوز ساختار شخصیت آن‌ها به طور کامل شکل نگرفته است. بر اساس تحقیق کندل درباره تأثیر دوستان و همسالان، کودکانی که در طول سال دوست یکدیگر باقی می‌مانند، در پایان سال شباهت بیشتری به هم پیدا می‌کنند. دوستان جدید نیز که خود را با ویژگی‌های یکدیگر تطبیق داده‌اند، در پایان سال بیش از زمانی که با هم دوست نبوده‌اند؛ به یکدیگر شبیه شدند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸).

۳. بازداشتن از معاشرت با افراد غیر متدین

انتخاب دوست و نوع آن برای کودک و جوان، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. دوست خوب، آدمی را به خیر و نیکی هدایت می‌کند و دوست بد او را به انحراف و بدی می‌کشاند. چه بسیار جوانانی که به وسیله دوست بد به انحراف، فساد، اعتیاد و تباهی کشیده شده‌اند. از آنجا که جوانان زودباور و کم‌تجربه هستند، زود فریب می‌خورند و در دام‌های فساد گرفتار می‌شوند. بنابراین هم خودشان باید در انتخاب دوست دقت کنند و هر کسی را به دوستی نپذیرند و هم اولیا و مربیان باید در انتخاب دوست خوب و اجتناب از دوست بد، به آنان کمک کنند. والدین نباید مانع دوست‌یابی فرزند خود شوند؛ زیرا داشتن دوست یک نیاز طبیعی است و جلوگیری از آن ممکن است موجب عکس‌العمل‌های سوء روانی شود؛ بلکه باید به او کمک کنند تا دوست خوب انتخاب کند. باید توجه داشت که دوستی یک امر

فرمایشی و دستوری نیست تا با دخالت و امر مستقیم والدین انجام گیرد. فرزندان، فردی را به دوستی می‌پذیرند که او را با استقلال و آزادی انتخاب کنند و دوست تحمیلی را دوست واقعی و قابل اعتماد نمی‌دانند. بنابراین والدین نمی‌توانند برای فرزندشان دوست انتخاب کنند یا مانع دوستی او با فرد دلخواهش شوند. والدین باید در میان بچه‌های اقوام یا همسایگان یا دوستان، افراد خوب و مؤدبی را بیابند و وسیله بازی و معاشرت فرزند خود را با آنان فراهم کنند. در طول این مدت نیز باید به طور غیرمستقیم مراقب آنان باشند تا اگر احساس کردند که با یک یا چند نفر از آن‌ها انس گرفته و طرح دوستی ریخته است؛ وسیله ارتباط و رفت و آمد بیشتر با آنان را فراهم کنند.

همچنین والدین می‌توانند موضوع انتخاب دوست را رسماً با فرزند خود در میان بگذارند و به فرزند خود کمک کنند، فواید دوست خوب و ضررهای دوست بد را برایش بیان نمایند و سپس علائم و صفات دوست خوب و بد را توضیح دهند تا او را از گرفتار شدن در دام دوستی با افراد بد حفظ کنند. آن‌ها باید به طور غیرمستقیم بر ارتباطات و رفت‌وآمدهای او نظارت کنند تا اگر با فرد خوب و صالحی طرح دوستی ریخته باشد، وسیله ارتباط بیشتر آنان را فراهم کنند و اگر با فرد ناشایستی معاشرت می‌کند، با آرامش و زبان خوش به او یادآور شوند که دوستش دارای عیبی است که مناسب دوستی نیست (ر.ک: امینی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶).

۴. هدیه دادن کتاب‌های اعتقادی

هدیه دادن در تربیت کودک بسیار مؤثر است. اگر هدیه مناسب و بجا باشد، در فرزندان انگیزه ایجاد و آنان را برای انجام کارهای بزرگ‌تر آماده می‌کند. در واقع تشویق، زبان پیشرفت و موفقیت آن‌هاست. هدیه و تشویق، از کارهای پسندیده‌ای است که آثار مثبت و ارزنده‌ای در روابط عاطفی بر جای می‌گذارد. افراد اعم از والدین، همسر و فرزند باید به مناسبت‌های مختلف به این کار مهم توجه کنند. با اینکه نوع هدایا برای افراد از نظر سنی، جنسی و میزان ارزش متفاوت است، ولی آنچه اهمیت دارد؛ نفس کار است که پیوند میان اعضای خانواده را محکم می‌کند. چنین تعاملی موجب افزایش علاقه میان والدین و فرزندان می‌شود؛ زیرا افراد علاقه و محبت درونی‌شان را با هدیه دادن به یکدیگر ابراز می‌کنند که در نوع خود با

ارزش و در خور توجه و در رشد شخصیت مطلوب عاطفی آنان مؤثر است (صحرايي و شريعتي، ۱۳۹۸، ص ۷۴).

والدين با هديه دادن به فرزندشان، به او نشان مي دهند که براي ارزش بسياري قائل هستند و به او اهميت مي دهند. وقتي هدف والدين تربيت اعتقادي فرزند باشد، هديه دادن کتاب هاي اعتقادي براي پرورش شناخت اعتقادي بسيار مناسب است. کتاب هايي مانند کتاب اصول دين نوجوان اثر حجت الاسلام علي شعيبي که اعتقادات اسلامي را با روشي جديد برگرفته از آيات قرآن به کودکان و نوجوانان آموزش مي دهد و توسط نشر معارف به چاپ رسيده است، مي تواند هديه مناسبی برای کودک و نوجوان باشد.

۵. آموزش عقايد صحيح به فرزند با فراهم آوردن شرايط و موقعيت مناسب

اميرالمؤمنين عليه السلام درباره اثري پذيري فرزند در کودکی فرموده است: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَهُ» (شريف الرضي، ۱۳۹۹، نامه ۳۱، ص ۴۳۰)؛ همانا قلب کودک مانند زمين خالي است که هر بذري در آن بکارند، مي رويد». اهميت آموزش در دوران کودکی و نوجواني تا آنجا است که امام علي عليه السلام فرموده است: «الْعِلْمُ مِنَ الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مجلسي، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۴)؛ تاثير علم آموختن در کودکی، مانند نقشي است که بر روی سنگ کنده شود». نقشي که بر روی سنگ کنده مي شود، هيچ گاه از بين نمي رود. علمي نيز که در کودکی آموخته شود، هيچ گاه از ياد نخواهد رفت و هميشه ماندگار خواهد بود. پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله نيز نه تنها در اين زمينه به مسلمانان سفارش هاي بسياري کرده اند؛ بلکه خود نيز به آموزش اصحاب و فرزندان آن ها اهتمام ويژه اي داشتند (حسيني زاد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶). امام علي عليه السلام درباره آموزش به فرزند فرموده است: «يُزَخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا» (طبرسي، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۷۵)؛ کودک در هفت سال (نخست زندگي) آزاد گذارده مي شود و در هفت سال (دوم) ادب آموخته مي شود و در هفت سال (سوم) به خدمت گرفته مي شود». بنابراين آموزش کودکان را بايد بر حسب تفاوت استعداد، از ۶ يا ۷ سالگي شروع کرد و شروع آموزش قبل از اين سال ها مناسب نيست و شايد مضرات آن بيشتري از فوايدش باشد. در سنين پيش از اين، کودک بايد آزاد باشد و به بازي بپردازد. اگرچه از طريق بازي به صورت

غیر مستقیم آموزش می‌بیند، اما این غیر از آموزش رسمی است که برای کودک مسئولیت به وجود می‌آورد و او باید تکالیفی را انجام دهد. بر اساس این روایات سنین ۶ یا ۷ سال تا ۱۸ یا ۲۱ سالگی، سال‌هایی است که برای آموزش و تربیت بسیار مناسب است؛ زیرا بعد از این شاید آموزش‌ها و تربیت‌ها تأثیر چندانی نداشته باشد (حسینی‌زاد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸). از آنجا که اصول دین در حقیقت پایه‌ها و اساس اعتقادات اسلامی را تشکیل می‌دهند، ابتدا باید به آموزش آن‌ها پرداخت. اصول دین اسلام بنا بر عقیده تشیع عبارت است از: توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت. این آموزش به مقتضای سنین فراگیران، گونه‌ها و قالب‌های ویژه خود را می‌یابد. وظیفه مهم این آموزش در سنین پایین‌تر و برای کودکان شاید از سایر دوره‌ها پیچیده‌تر و مشکل‌تر باشد؛ از این‌رو ضروری است تا در این مهم به مراحل رشد و تکامل کودکان و برداشت کودکان آنان از مفاهیم دینی توجه کرد و برنامه‌های آموزشی را متناسب با آن تهیه و تنظیم نمود.

با توجه به محدودیت‌های تفکر کودکان و عدم توانایی آنان در درک استدلال‌های پیچیده عقلانی در مفاهیم انتزاعی، حفظ واژه‌های مشکل در قالب‌های انتزاعی استدلال نمی‌تواند نتیجه امیدوارکننده‌ای را به دنبال داشته باشد؛ از این‌رو باید چنین شیوه‌هایی را ترک کرد و آن‌ها را با زبانی ساده و جذاب و با بیان مصادیق آموزش داد. با توجه به اهمیت آموزش‌های دینی و لزوم پرهیز از آموزش سست و بی‌پایه درباره مسائل دینی، والدین می‌توانند با زبان ساده و بر پایه تجربیات فرزندان و در قالب داستان و تمثیل، بیان ساده‌ای در این زمینه مطرح کنند که مناسب‌ترین زمان برای این امر نیز دو سال پایانی دبستان و به‌ویژه سال پنجم است که کودکان اندک‌اندک در آستانه رشد عقلی و تدبیر و تفکر در کارها، به سنجیدن خوب و بد و مفید و مضر نزدیک شده‌اند و پیش از آن، خامی‌ها و محدودیت‌های بسیار کودکان در تفکرات‌شان اجازه چنین کاری را به آن‌ها نمی‌داد (ر.ک: باهنر، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹). بنابراین مباحث اعتقادی باید با تکیه بر تجربیات کودکان و با استفاده از تمثیل‌ها، داستان‌های مناسب و به‌ویژه فعالیت‌ها و نمایش‌های عملی که احساس‌های لازم را برای درک هر چه بیشتر این مفاهیم تأمین می‌کند، ارائه شوند. برای مثال در رابطه

با آموزش اعتقاد به خدا، اگر چه اعتقاد به خدا در کودکان امری فطری است و نیازی به اثبات ندارد؛ اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند و در سنین پایانی دبستان می‌توان آن‌ها را به زبان ساده مطرح کرد. برای مثال آموزش اعتقاد به خدا را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که یک ساختمان نیازمند نقشه و سازنده توانمند و آگاهی است که آن را بسازد. بنای عظیم و شکوهمند این عالم نیز در گرو وجود خالقی است که از آگاهی و توان لازم برخوردار باشد و او، خداوند یکتاست. والدین برای فهم هر چه بیشتر کودکان و جذابیت افزون‌تر آموزش می‌توانند فرزندان را به نزدیک ساختمانی ببرند که کارگران مشغول ساخت و تکمیل آن هستند تا فرزندان زحمات و تلاش‌هایی را که برای ساخت آن صورت می‌گیرد، مشاهده کنند. سپس از آنان بخواهند به محیط طبیعی اطراف‌شان و عظمت آسمان با دقت بنگرند و در شکوهمندی آن مدتی فکر کنند. آن‌گاه والدین می‌توانند این‌گونه نتیجه‌گیری کنند که وقتی این ساختمان کوچک نیازمند سازنده‌ای است، طبیعی است که زمین و آسمان که بسیار عظیم‌تر و شکوهمندتر از این ساختمان هستند؛ محتاج خالقی آگاه و توانا باشند (ر.ک: همان، ص ۱۸۰).

در رابطه با آموزش اعتقاد به معاد، برای روشن‌تر شدن اصل مفهوم معاد و اهمیت آن، اشاره به بازگشت صدا در کوه و نتیجه مسابقه برای افراد و نیز نمرات خوب و بد درسی می‌تواند حتی برای خردسالان نیز مؤثر واقع شود (همان، ص ۱۸۲). برای مثال می‌توان به فرزندان گفت در مدرسه دانش‌آموزان سخت‌کوش و منظم از دانش‌آموزان کاهل و نامنظم جدا می‌شوند و در پایان سال به تناسب فعالیت‌هایی که کرده‌اند، برخی با نمرات عالی و برخی با نمرات پایین‌تر قبول و برخی نیز مردود می‌شوند. اگر این‌گونه نباشد، در پایان سال نیز کارنامه‌ای داده نمی‌شود و از دانش‌آموزان موفق قدردانی به عمل نمی‌آید، زحمات افراد کوشایی نتیجه می‌ماند و میان آنان و دیگران تفاوتی نیست. این دنیا نیز مانند مدرسه‌ای بزرگ است و معلمان دانا و دلسوز این مدرسه، پیامبران خدا هستند و امتحان‌گیرنده نیز خداوند است. هر کس به دستورات و گفته‌های پیامبران خدا عمل کند و به خدا و جهان آخرت ایمان داشته باشد، در این امتحان قبول می‌شود و خداوند در جهان آخرت به تناسب

اعمال بد و خوب هر فرد، به او نمره‌ای می‌دهد و میان آنان که نمره خوب دریافت کرده و کسانی که در امتحان الهی مردود شده‌اند یا نمره ضعیفی گرفته‌اند، تفاوت قائل می‌شود و به تناسب این نمره، پاداش و عقوبت می‌دهد (همان، ص ۱۸۴).

برای آموزش اعتقاد به نبوت، باید اصل کلی نیاز انسان به پیامبران را مورد توجه قرار داد. برای مثال هنگامی که برای نخستین بار به مقصد یکی از مناطق دوردست کشور مسافرت می‌کنید و از شرایط جوی آنجا و چگونگی مسیر بی‌اطلاع هستید، برای آنکه متناسب با شرایط مسیر و مقصد، وسایل و آذوقه لازم احتیاجات خود را به همراه داشته باشید؛ باید از کسی که در این زمینه با اطلاع و آگاه است، راهنمایی بخواهید؛ در غیر این صورت ممکن است خطراتی همچون تشنگی، گرسنگی، سرما یا گرما و دیگر خطرات، آدمی را از پا در آورد. راهنما باید آدمی را به چگونگی مسیر و پیچ‌وخم‌ها و پرتگاه‌های آن آگاه کند و آدمی در طول راه از این کمک‌ها و راهنمایی‌ها بی‌نیاز نیست. در سفر آخرت نیز که اسرارآمیزترین سفرهاست، آدمی به یک راهنما و رهبر آگاه نیاز دارد تا او را در این مسیر هدایت کند و این راهنمایان و رهبران آگاه، پیامبران هستند.

این مطلب را می‌توان در قالب یک داستان مهیج و زیبا از فردی که بی‌اطلاع از مسیر، سفر خود را آغاز کرده و گرفتار مشکلات متعددی شده است، برای کودکان آموزش داد. همچنین می‌توان یک سفر یا کوهنوردی ترتیب داد و در طول مسیر بدون اشاره به مسئله نبوت، در مواقع گوناگون نیاز آن‌ها را به راهنما گوشزد و در پایان سفر نیز مسئله نیاز انسان به پیامبران را نتیجه‌گیری نمود کرد. برای ملموس‌تر شدن این آموزش باید تلاش کرد در طول سفر احساس‌هایی همچون احساس خطر، ترس، نیاز و شادمانی از همراهی والدین در وجود فرزندان زنده شود. بدین سان احساس نیاز آدمی به راهنما در وجود فرزندان تقویت خواهد شد (همان، ص ۱۸۵).

آنچه در آموزش عقاید بسیار مهم است، زمان آن است؛ به این معنی که آموزش عقاید پیش از آنکه فکر و ذهن نوجوان و جوان مشغول امور زندگی شود یا افکار و اعتقاد دیگر به او برسد، باید صورت گیرد؛ زیرا ذهن خالی جوانان، بهتر و راحت‌تر پذیرای حق خواهد بود.

در واقع ذهن خالی آن‌ها مانند حوض تمیزی است که تازه ساخته شده است و با آب تمیز پر می‌شود. اگر مقداری از این حوض تمیز را با آب کثیف پر کنند، دیگر هر چه آب تمیز در آن ریخته شود؛ آلوده خواهد بود. اگر ذهن نوجوان با احکام عقاید حق پر شود، دیگر عقاید باطل به آن راهی نخواهد داشت و اگر این ذهن با عقاید باطل برخورد کرد و از آن پر شود، دیگر هر چه عقاید حق به او بدهیم، به عقاید باطل قبلی آلوده خواهد شد و همواره به عقاید حق خرده خواهد گرفت (حسینی‌زاد، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵)؛ چنانکه امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده است: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَتَسَوَّ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ (شریف‌الرضی، ۱۳۹۹، نامه ۳۱، ص ۴۳)؛ دل نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد. پس تو را قبل از آنکه دلت سخت شود و ذهنت مشغول شود، به ادب آموختم تا با جدیت نظرت را در مورد اموری که برایت کافی است؛ بیایی و از تجربه‌های دیگران بهره ببری».

طبیعی است که انتقال آموزه‌های اعتقادی در شرایط و موقعیت‌های گوناگون یکسان نباشد؛ بلکه متناسب با نوع موقعیت‌ها و میزان تناسب آن‌ها با مخاطب، تأثیرگذاری متفاوتی دارد. منظور از موقعیت‌های مناسب، شرایط زمانی، مکانی، مناسبتی، روحی و عاطفی ویژه‌ای است که انتقال آموزه در آن شرایط بهتر صورت می‌گیرد و یا تأثیرگذارتر می‌شود (دانشمند، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

۶. اختصاص زمانی برای پرسش‌های اعتقادی فرزندان

پرسش و پاسخ، شیوه‌ای قرآنی است که با به استفاده صحیح از آن، می‌توان به انتقال آموزه‌های اعتقادی دست یافت (دانشمند، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸). درست و سنجیده سؤال کردن و جواب دادن، دو فرایند مرتبط با هم هستند که پایه‌های تفکر و اندیشه را تشکیل می‌دهند. در واقع، پرسیدن و جواب دادن از سویی نیازمند اندیشه است و از سوی دیگر اندیشه را غنا و گسترش می‌بخشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۰). امامان معصوم علیهم السلام در سیره آموزشی خود، دیگران را به طرح سؤال تشویق می‌کردند و سؤالات خوب را مورد تحسین و تشویق قرار می‌دادند. اکنون یک مورد از آن را بیان می‌کنیم: «مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فِي حَرَكَةِ

الشَّمْسُ فِي الظَّهِيرَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَا أَصْغَرَ جِسْمَكَ وَ مَا أَكْبَرَ سُؤْلَكَ أَتَسْتَحِقُّ أَنْ تَعْلَمَ جَوَابَ هَذَا السُّؤَالِ (طبرسی نوری، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۲۶)؛ محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام از کندی حرکت خورشید در ظهر پرسیدم. فرمود: محمد! چقدر جثه‌ات کوچک است و سؤال‌ت بزرگ. تو اهلیت و لیاقت دانستن پاسخ این سؤال را داری».

والدین باید بتوانند به سؤالات و علت نماز خواندن و روزه گرفتن پاسخ دهند؛ زیرا کودک غیر از فراگیری اعمال ظاهری باید بداند که در ورای این اعمال چه اعتقاد و احساسی نهفته است و چه چیزی موجب می‌شود که فرد مسلمان هر روز پنج بار به سوی کعبه حرکتی را انجام دهد که ممکن است در نظر او بی‌معنا جلوه کند. این مقصود را باید با آموزش‌های ساده تأمین کرد (جلایی نوبری، ۱۳۹۹، ص ۳۰). این روش کارآمد می‌تواند توسط والدین به صورت هفتگی در خانواده اجرا شود و راهی برای انتقال آموزه‌های اعتقادی، برطرف کردن گره‌ها و شبهات ذهنی فرزندان و ... است.

۷. سیر در طبیعت برای شناخت آیات و نشانه‌های الهی

سیر و سیاحت در زمین، انسان را با شگفتی‌های آفرینش مواجه می‌کند. از همین روست که قرآن فرموده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت: ۲۰)؛ «بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است». عجایب صنع در عالم، انسان را خاضع و خاشع می‌کند. سرچشمه بسیاری از پلیدی‌ها و نابسامانی‌های اخلاقی، خودمیان‌بینی و خودبرتربینی است. از این رو یکی از اهداف تربیت، فاصله گرفتن از خودمیان‌بینی است. توجه به عظمت عالم و شگفتی‌های آن، انسان را از خود بیرون می‌آورد و آماده پذیرش مکارم اخلاق می‌کند (مهدوی‌راد و زرسازان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳). بنابراین والدین می‌توانند برنامه‌ای تنظیم کنند و فرزندان را به سیر و سیاحت در طبیعت ببرند و در حین گردش و بازی، آنان را با آیات و نشانه‌های پروردگار آشنا کنند.

۸. استدلال منطقی بر اعتقادات صحیح دینی در حضور فرزند

با توجه به تأکید اسلام بر عقل و عقلانیت و خردپروری، بر تربیت عقلانی و استدلالی تأکید فراوانی شده است. در حوزه اصول بنیادی عقاید، آموزش استدلالی واجب است و در

تفصیل اصول عقاید و عقاید غیراصولی و بقیه معارف و آموزه‌های اسلام، آموزش استدلالی مستحب است. بر مبنای اصل تربیتی رعایت توان کودک و اشتراط تأثیر در اقدامات تربیتی که الزامی بودن این دو بعید نیست، حکم و جوب آموزش استدلالی در عرصه اصول بنیادی عقاید به توان شناختی و ادراکی کودک مشروط است. اگر آموزش استدلالی به دلیل عدم توان شناختی و ادراکی فرزندان و موقعیت‌های دیگر، موجب اضرار و اضلال و دیگر عناوین ثانوی و یا انحراف معاصی عقیدتی شود، نه تنها وجوب یا استحباب نخواهد داشت؛ بلکه حرام خواهد بود. همچنین اگر آسیب‌زایی آموزش استدلالی در تربیت اعتقادی به میزان یاد شده نباشد، اما کاری لغو و لهُو تلقی شود؛ آموزش استدلالی مکروه خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۹۶). بنابراین اگر فرزندان به توان شناختی و ادراکی رسیده باشند، یکی از بهترین راهکارهای تربیت اعتقادی این است که با استدلال منطقی، اعتقادات صحیح را به آن‌ها انتقال دهیم.

۹. اجرای گفتگوی صحیح و صمیمی اعتقادی والدین در حضور فرزندان

گفتگو می‌تواند به عنوان روشی برای انتقال آموزه‌های اعتقادی به کار گرفته شود. از روش گفتگو در قرآن و روایات، بسیار استفاده شده است. برای مثال در سوره کهف و در قصه صاحب‌الجنین، قصه بر اساس گفتگوی دو دوست مؤمن و کافر جلو می‌رود. در همین سوره، قصه موسی علیه السلام و خضر علیه السلام نیز با محوریت گفتگو پیش می‌رود. یکی از زیباترین فرازهای قرآن، گفتگوی تابعان و متبوعان در دوزخ و گفتگوی شیطان با پیروان خود و ملامت کردن آن‌ها نسبت به یکدیگر است (دانشمند، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵).

والدین از راه گفتگو می‌توانند بسیاری از آموزه‌های اعتقادی را به کودکان منتقل کنند. اغلب این گفتگوها می‌تواند با پرسشی از سوی کودک آغاز شود و با هدایت پرسش و پاسخ‌ها از سوی پدر و مادر به پیش رود. مقصود این روش، تغییر و تحول در نگرش و طرز تلقی فرزندان است که دگرگونی در نگرش آن‌ها، موجب تغییر در رفتار وی می‌شود. گفتگوی صحیح اعتقادی والدین در حضور فرزندان و یا گفتگو با آن‌ها، منجر به بینش‌دهی و فهم حقایق در ایشان می‌شود و اگر با عقلانیت همراه شود، موجب پرورش شناخت در آن‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر که با هدف دستیابی به راهکارهای تربیت اعتقادی فرزندان از سوی والدین انجام گرفت، می‌توان گفت شکل‌گیری و ارتقای وضعیت اعتقادی فرزندان و تربیت اعتقادی که مهم‌ترین بخش نظام جامع تربیتی اسلام است؛ در گرو انتخاب و اعمال شیوه‌های مناسب تربیتی است. این وظیفه مهم در ابتدا متوجه والدین است؛ چرا که تربیت، بستر خوشبختی و بدبختی انسان‌ها و جوامع انسانی است. از نظر اسلام و دیدگاه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تربیت فرزند حتی از تأمین حوائج جسمانی و تغذیه مادی او مهم‌تر است (نصیری‌زاده و بیابانی بیدگلی، ۱۳۹۴) تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان نسبت به والدین است که در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد. امام سجاد علیه‌السلام در رساله حقوق درباره حق فرزند نسبت به والدین فرموده است: «أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۳)؛ تو مسئولی! مسئولیت‌هایی چون نیکو ادب کردن، راهنمایی به سوی خدا، یاری‌رسانی بر طاعت خدا». از این رو در پژوهش حاضر از شیوه‌هایی بحث شد که والدین می‌توانند با استفاده از آن‌ها، اعتقادات دینی را در فرزندان نهادینه کنند. اولین اقداماتی که والدین در این مسیر انجام می‌دهند، باید مربوط به پروراندن شناخت اعتقادی و انتقال آموزه‌ها به آنان باشد؛ چرا که علم و شناخت، مانند چراغی است که راه را به ما نشان می‌دهد. شیوه‌هایی که در مقاله پیش‌رو به منظور پروراندن شناخت‌های اعتقادی در تربیت دینی مورد بررسی قرار گرفت، عبارتند از: تلقین آموزه‌های اعتقادی به فرزندان، آشنا کردن فرزند با افراد دارای اعتقاد محکم، بازداشتن از معاشرت با افراد غیر متدین، هدیه دادن کتاب‌های اعتقادی، آموزش عقاید صحیح به فرزندان با فراهم آوردن شرایط و موقعیت مناسب، اختصاص ساعتی برای پرسش‌های اعتقادی خانواده به طور هفتگی، رفتن به طبیعت برای شناخت آیات و نشانه‌های الهی، استدلال منطقی بر اعتقادات صحیح دینی در حضور فرزند، اجرای گفتگوی صحیح و صمیمی اعتقادی والدین در حضور فرزندان. شیوه‌های ارائه شده باید در شرایط مناسب و با توجه به شخصیت کودک همراه خلاقیت والدین اجرا شود تا به خواست خدا از انحرافات کودک در بزرگسالی جلوگیری شود و فرزند با زمینه ایمانی و اعتقادی قوی در عمل نیز فردی دین‌مدار و خدامحور شود.

فهرست منابع

عربی

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷ ش)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ ش)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: مشهور.
۳. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۱۵ ش)، المعجم الاوسط، تحقیق طارق بن عوض الله و عبدالمحسن بن ابراهیم، قاهره: دارالحریمین.
۵. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰ ش)، مکارم الأخلاق، ترجمه احمد احمدزاده، قم: شریف الرضی.
۶. طبرسی نوری، اسماعیل بن احمد، (۱۳۹۶ ش)، کفایه الموحدين في عقاید الدين، ترجمه سعید عرفانیان و محمد جواد اسلامی، قم: رسالت.
۷. متقی هندی، علی، (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، تحقیق البکری الحیانی، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، تصحیح محمد باقر محمودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب اسلامیة.

فارسی

۱. اعرافی، علیرضا و سید نقی موسوی، (۱۳۹۲ ش)، «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، سال ۲۰، ش ۷۶، ص ۷۰-۴۸.
۲. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۵ ش)، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۳. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۷ ش)، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ سوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۴. باهنر، ناصر، (۱۳۸۹ ش)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، چاپ ۱۳، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۵. بهشتی، سعید، حسن ملکی، حسن اسدزاده و ماجده فاطمی، (۱۴۰۱ ش)، «راهبردهای تعلیم و تربیت برآمده از انسان شناختی قرآنی با تأکید بر نقش گرایش‌ها در وجود انسان»، فصلنامه علمی ترویجی پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱۳، ش ۴۸، ص ۹۴-۶۵.
۶. جلالی نوبری، حسین، (۱۳۹۹ ش)، «روش‌های تربیت عبادی فرزندان در سیره معصومین علیهم السلام»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره جدید، ش ۲۶، ص ۳۰۴-۲۶۱.
۷. دانشمند، مرتضی، (۱۳۹۰ ش)، امیران کوچک: روش انتقال آموزه‌های اعتقادی به کودکان ۷ تا ۱۴ سال در قرآن و روایات، چاپ اول، قم: عموعلوی.
۸. داوری، محمد، (۱۳۸۸ ش)، «تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک»، مجموعه مقالات تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۹. داوودی، محمد، (۱۳۸۵ ش)، نقش معلم در تربیت دینی، چاپ دوم، قم: مؤسسه چاپ زیتون.
۱۰. داوودی، محمد و سیدعلی حسینی زاده، (۱۳۹۴ ش)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. زارعان، محمدجواد و سید نقی موسوی، (۱۳۹۴ ش)، «جواز تلقین در تربیت دینی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه تربیتی، ش ۲۴، ص ۲۹-۷.
۱۲. علوی، سید حمیدرضا، (۱۳۸۵ ش)، «بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در نوجوانان دبیرستان‌های کرمان»، دوفصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی، شماره ۲، ص ۱۶۴-۱۴۳.
۱۳. صحرایی، فاطمه و سید صدرالدین شریعتی، (۱۳۹۸ ش)، «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا »، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۳۸، ص ۸۰-۵۹.
۱۴. صداقت‌منش، آسیه، (۱۳۹۸ ش)، «تأثیرات متقابل فطرت و تربیت اعتقادی»، تعلیم و تربیت اسلامی، قم، جامعه الزهراء .
۱۵. قاسم‌زاده، فاطمه، (۱۳۸۰ ش)، آری گفتن به نیازهای کودکان، تهران: دنیای مادر.
۱۶. گولد، ویلیام و جولوس کولب، (۱۳۸۴ ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی، چاپ دوم، تهران: نشر مازیار.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۸۵ ش)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.
۱۸. موسوی، نقی، (۱۳۹۱ ش)، «بررسی و جوب آموزش استدلالی در تربیت اعتقادی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۵، ص ۱۰۰-۷۳.
۱۹. موسوی، سیدابوالقاسم و محمدرضا جواهری و ایوب اکرمی، (۱۳۹۶ ش)، «روش‌های ایجاد و تعمیق باور به وجود خداوند در تربیت اعتقادی بر اساس سیره امام رضا »، فصلنامه علمی پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ش ۶، ص ۱۰۶-۸۹.
۲۰. مهدوی‌راد، محمدعلی و عاطفه زرسازان، (۱۳۸۵ ش)، «روش تربیت انسان در سیره انبیاء از نگاه قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش دینی، ش ۱۴، ص ۱۶۴-۱۴۳.
۲۱. میرعرب، فرج‌الله، (۱۳۹۲ ش)، تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۲. موگهی، عبدالرحیم، (۱۳۹۰ ش)، «روش‌های تربیت دینی»، فصلنامه علمی تخصصی مبلغان، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۱۶.
۲۳. نصیری‌زاده، حمیدرضا و زهرا بیابانی بیدگلی، (۱۳۹۴ ش)، «جایگاه تربیت دینی (عقیدتی، اخلاقی، عبادی) کودکان در خانواده و راهکارهای وصول آن از دیدگاه اسلام»، میبد: اولین همایش ملی تربیت دینی راهی به سوی تعالی.
۲۴. وجدانی، فاطمه، (۱۳۹۲ ش)، «اصول و روش‌های آموزش مفهوم خدا و تقویت خداباوری در کودکان و نوجوانان»، فصلنامه علمی ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۲۶، ص ۱۰۶-۷۹.
۲۵. یوسفی، وحید، (۱۳۸۶ ش)، «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان»، فصلنامه علمی تخصصی تربیت اسلامی، ش ۵، ص ۱۸۴-۱۵۳.

لاتین

1. Field, J., & Leicester, M. (2003). *Lifelong learning: Education across the lifespan*. Psychology Press
2. Stern, J. (2018). *Teaching religious education: Researchers in the classroom*. Bloomsbury Publishing.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی